مقاله

حمیدرضا شاه‌نظری

۱۶ آذر و رسالت دانشجوی امروز

در خونین‌ترین روز پاییز ۱۳۳۲، سه دانشجوی دانشگاه تهران نه تنها در برابر استکبار ایستادند، بلکه الگویی از دانشجوی «صاحب‌رسالت» را ترسیم کردند که دانشگاه را نه محل کسب مدرک، که سنگر دفاع از هویت و ساختن تمدن می‌داند. امروز، در ادامه همان راه، رسالت دانشجو دو بال اساسی دارد؛ مقاومت در برابر سلطه و پیشبرد اقتدار علمی.

شهادت سه دانشجوی بیدار، تنها یک تراژدی نبود؛ زلزله‌ای بود که نشان داد استقلال یک ملت، با سکوت و بی‌تفاوتی حفظ نمی‌شود. این واقعه، نقطه گسستی بود که هویت دانشگاه ایرانی را برای همیشه با مفهوم استکبارستیزی گره زد. استکبارستیزی، واکنشی احساسی یا شعاری نیست؛ ضرورتی عقلانی و تاریخی برای حفظ کرامت و حاکمیت ملی است. استکبار، یعنی آن قدرت سازمان‌یافته ضدبشری که خود را محور حقانیت می‌داند و می‌خواهد اراده، الگوهای فکری و مناسبات سیاسی‌اش را بر دیگران تحمیل کرده و ملت‌ها را به انقیاد و بردگی بکشاند. در تجربه ایران، این چهره را می‌توان در دهه‌ها رفتار سیاسی، امنیتی و اقتصادی قدرت‌هایی مانند امریکا دید. اما ذات سلطه، ایستا نیست؛ پیوسته در قالب‌های نوین متجلی می‌شود. شناخت این دگرگونی‌ها، امروز سنگ بنای بصیرت دانشگاهی است.

در دوران معاصر، ابزار سلطه صرفاً توپ و تانک نیست؛ بلکه استکبار و نظام سلطه در پوشش نظریه، روایت علمی، مدل توسعه و گفتمان مسلط دانشگاهی نفوذ می‌کند. این همان استعمار نوین ادراکی است که قصد دارد ذهن‌ها را تسخیر کند که بعد از رسیدن به آن به راحتی خاک و منابع ملت‌ها را به چنگ خواهد آورد. در این شیوه، تحلیل‌ها و چهارچوب‌های تفسیر جهان، از کانون‌های قدرت جهانی صادر می‌شود. اعتماد به نفس ملی و توانایی حل مسائل با تکیه بر داشته‌های بومی تضعیف می‌گردد. مسائل جهانی تنها از دریچه منافع و روایت قدرت‌های مسلط تعریف می‌شود و هویت تاریخی و فرهنگی ملت‌ها، در حاشیه یا در معرض تحریف قرار می‌گیرد. این فرآیند گاه به صورت نامحسوس در سرفصل‌های درسی، اولویت‌های پژوهشی، معیارهای «اعتبار علمی» و حتی در ادبیات بخشی از روشنفکران و اساتیدی نمود می‌یابد که آگاهانه یا ناآگاهانه به بازتولید نگاهی وابسته و غرب‌محور می‌پردازند.

امروز بخش عمده‌ای از اعمال سلطه در قالب «جنگ شناختی» صورت می‌گیرد؛ جنگی تمام‌عیار برای تسلط بر ادراک، تصور و تفسیر مردم از واقعیت. در این میدان روایت‌سازی جایگزین اعمال قدرت مستقیم شده است. تصویرپردازی رسانه‌ای جای دخالت نظامی را گرفته و عملیات روانی سازمان‌یافته جای دیپلماسی علنی را پر کرده است. در این فضای پیچیده، شبکه‌های اجتماعی به یکی از میدان‌های اصلی نبرد بدل شده‌اند؛ جایی که جریان‌های هدفمند، با ابزارهایی مانند ترندسازی جهت‌دار، انتشار اخبار جعلی، دستکاری عواطف و ساختن روایت‌های یکسویه، به دنبال شکل‌دهی به ذهنیت و باورهای نسل جوان هستند. در چنین شرایطی، نقش دانشگاه دوچندان می‌شود؛ یا باید بتواند این سازوکارهای پیچیده را به طور آگاهانه رصد، تحلیل و افشا کند، یا آنکه خود، ناخواسته به حلقه‌ای در زنجیره بازتولید آنها تبدیل شود.

اگر دیروز استکبار با کودتا و دخالت مستقیم، حاکمیت سیاسی ملت‌ها را نشانه می‌گرفت، امروز «عرصه علم و دانش» به یکی از اصلی‌ترین عرصه‌های نبرد تبدیل شده است. دانشجوی آگاه و بیدار باید بداند که وابستگی علمی، مقدمه وابستگی سیاسی است و قدرت‌های استکباری می‌کوشند با ایجاد نظام وابستگی در علم و فناوری، ملت‌ها را در چرخه مصرف دانش دست‌دوم و اجرای پروژه‌های تحمیلی نگه دارند. همچنین دانشگاه‌های ما هدف عملیات نرم هستند؛ شبکه‌های پیچیده علمی-فرهنگی با ابزارهایی مانند بورسیه‌های جهت‌دار، همایش‌های موضوع‌محور، استانداردسازی یک‌سویه تولید علم (مانند برخی شاخص‌های صرفاً کمی) و جریان‌سازی روشنفکری، تلاش می‌کنند نخبگان را جذب و جهت‌دهی کنند. همچنین باید به این توجه کند که تولید علم بومی، یک جهاد است و دانشجوی مسئول کسی است که در رشته تخصصی خود، نه تنها مصرف‌کننده نظریه‌های وارداتی نباشد بلکه پرسش‌گر، نقاد و خلاق باشد و در پی حل مسائل واقعی کشور با تکیه بر فرهنگ و زمینه بومی برآید. رهبر انقلاب اسلامی بارها بر «جنبش نرم‌افزاری و تولید علم» به عنوان یک وظیفه ملی تأکید کرده‌اند. اقتدار علمی تنها به معنای تولید مقالات پژوهشی نیست بلکه به معنای ایجاد توانمندی برای تعریف مسائل، طراحی راه‌حل‌ها و تعیین جهت‌گیری‌های کلان ملی است. دانشجو در این میدان موظف است بر علوم راهبردی تمرکز کند و پیگیری رشته‌هایی که ضامن استقلال و امنیت ملی هستند مانند هسته‌ای، نانو، بیوتکنولوژی، هوش مصنوعی، علوم دفاعی و... را در اولویت قرار دهد و با ترجمه علم به فناوری و قدرت و تلاش برای تبدیل دانش به محصول، صنعت و توانمندی ملموس که مشهودترین پاسخ به تحریم‌ها و فشارهاست در راه مقابله با سلطه و استکبار بکوشد. در پرتو این شرایط، وظیفه تاریخی دانشجوی بصیر و آگاه را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

بصیرت افزایی: مطالعه عمیق تاریخ مبارزات ضداستعماری ایران و جهان، و درک مکانیسم‌های نوین سلطه در عرصه‌های اقتصادی، رسانه‌ای و فرهنگی.

نقد افشاگرانه و ارائه راهکار مسئولانه: توانایی نقد افشاگرانه استکبار خارجی و ارائه راه حل برای کاستی‌های داخلی؛ افشای طرح‌های استکبار جهانی از یکسو، و طرح‌ریزی و مطالبه برای حل موانع پیشرفت و عدالت در داخل از سوی دیگر.

پیشرفت علمی درون‌زا: تبدیل علم به ابزاری برای اقتدار ملی و حل مسائل واقعی کشور، نه معبری برای فرار مغزها یا جذب در سیستم علمی سلطه. تمرکز بر علوم راهبردی و تکنولوژی‌های کلیدی.

مقاومت در برابر استعمار فرانو: شناسایی و مقابله هوشمندانه با اشکال نفوذ فرهنگی و ادراکی در محیط دانشگاه و جامعه، از الگوهای تقلیدی بی‌پرسش تا معیارهایی که هویت و مسائل ملی را نادیده می‌گیرند.

احیای تشکل‌های پویا و مستقل: احیا و تقویت نهادهای دانشجویی که در عین تعهد به آرمان‌های انقلاب و استقلال، بتوانند با قدرت تفکر، نقادی و ابتکار، گفتمان زنده و تأثیرگذار انقلابی را نمایندگی کنند.

متأسفانه در چند دهه گذشته، بخشی از فضای دانشگاه و جنبش دانشجویی، تحت تأثیر عوامل مختلف از گسترش کمی و چالش کیفی گرفته تا بعضاً تبدیل شدن به عرصه رقابت‌های جناحی، از رسالت اصلی و عمق استکبارستیزانه خود فاصله گرفته است. گاه انرژی نقد متوجه درگیری‌های داخلی و فرسایشی شده و گاه به انفعال و بی‌تفاوتی نسبت به پروژه‌های سلطه انجامیده است. این در حالی است که ایران امروز، با شگردهای پیچیده سلطه نرم و جنگ روایت‌ها، بیش از هر زمان دیگری به هوشیاری، وحدت و بصیرت دانشگاه نیاز دارد. ۱۶ آذر به ما یادآوری می‌کند که اقتدار واقعی دانشگاه، نه در دنباله‌روی، که در توانایی «فهمیدن جهان و نظام بین‌المللی سلطه و سازوکارهای اعمال سلطه» و ایستادن در برابر آن شکل گرفته است. استقلال، تنها یک مقوله سیاسی نیست؛ استقلال فکری، روایت‌گری مستقل و مصونیت ادراکی نیز هست. امروز که میدان نبرد به فضای ذهن و شناخت کشیده شده، دانشگاه اگر بخواهد وارث راستین آن سه شهید و سایر شهیدان دانشجو مانند شهید رضایی‌نژاد و شهید شهریاری و شهدای دانشمند جنگ ۱۲ روزه اخیر باشد، باید بار دیگر به کانون تولید پرسش‌های بنیادین، نقد آگاهانه و خلق الگوهای پیشرفت متکی بر خویشتن تبدیل شود. این، نه یک انتخاب، که تکلیف تاریخی نسل امروز دانشگاهیان است. ۱۶ آذر به ما می‌آموزد که دانشگاه پیروز، دانشگاهی است که هم می‌تواند در برابر سلطه و استکبار بایستد، هم می‌تواند تمدن بسازد. دانشجوی امروز، وارث شهدایی است که فهمیدند «نخواستن سلطه» کافی نیست، باید «توانستن ساختن» را نیز آموخت.

خبر یک

پروژه پهلوی کلید نخورده شکست خورد

بازداشت سلطنت‌طلبان عامل موساد

آبان ماه گذشته بود که رضا ربیع پهلوی در نشستی که در تورنتو کانادا برگزار شد، از برنامه‌ریزی برای تشکیل هسته‌های مبارز در ایران خبر داد؛ رفتاری آشنا که در دهه ۶۰ از منافقین دیده شد و متقابلاً مردم هم دست رد بر آنها زدند. اکنون هم خبر می‌رسد که وزارت اطلاعات تعدادی از عناصر وابسته به جریان سلطنت‌طلب و مرتبط با سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی را در یک عملیات پیچیده امنیتی شناسایی و بازداشت کرده است.

به گفته وزارت اطلاعات، اعضای این شبکه که از خاک اروپا هدایت می‌شدند، در روزهای موسوم به «دفاع مقدس ۱۲ روزه» قصد اجرای چند عملیات تروریستی در شهرهای مختلف ایران را داشتند. این افراد تلاش داشتند با انتقال غیرقانونی سلاح از مرزهای غربی کشور و ایجاد آشوب در نقاط حساس، امنیت عمومی را مختل کنند.

یکی از عناصر اصلی این شبکه فردی به نام «سام رادپور» است که سال‌ها در اروپا اقامت داشته و در صفحه‌های مجازی خود به آموزش استفاده از سلاح و شیوه‌های ایجاد ناامنی به مخاطبانش می‌پرداخت. این گروه قرار بوده در صورت بروز درگیری یا حمله خارجی، به‌جای تصویربرداری از محل‌های ادعایی «بمباران»، وارد خیابان‌ها شده و اقدامات خشونت‌آمیز انجام دهند. رادپور در اروپا، به‌ویژه در سوئد، در محیط‌هایی فعالیت داشته که به حیاط خلوت گروه‌های تروریستی تبدیل شده است؛ گروه‌هایی مانند منافقین که مسئول ترور بیش از ۱۷ هزار شهروند ایرانی هستند و همچنین گروهک الاهوازیه که در حمله ۳۱ شهریور ۱۳۹۷ اهواز موجب شهادت و مجروح شدن ده‌ها نفر از مردم بی‌گناه شد. براساس اعترافات اعضای بازداشت‌شده، رادپور با برخی چهره‌های وابسته به جریان سلطنت‌طلب، از جمله رضا پهلوی، در ارتباط بوده و دستورهای عملیاتی خود را از عوامل موساد دریافت می‌کرده است.

بنابر اطلاعات منتشرشده، مرحله نخست این برنامه، انتقال مخفیانه سلاح به داخل ایران بوده است. رادپور به همدستان خود گفته بود در شهرهای مرزی همچون کرمانشاه، کردستان و لرستان افرادی دارد و قرار بوده سلاح‌ها را که پیش‌تر تست شده بودند، در محموله‌های شیرینی جاسازی و از طریق باربری به اصفهان ارسال کنند. هدف این گروه حمله به ایستگاه‌های پلیس، پایگاه‌های بسیج و مراکز امنیتی در روزهای حساس بوده است تا به‌زعم خود، «سد حافظان امنیت» را برداشته و مسیر ایجاد ناامنی گسترده در پایتخت را هموار کنند. یکی از عناصر این شبکه اعتراف کرده که عکس‌هایی از محله‌ها و خطوط مترو تهران برای سرگروه ارسال شده تا عملیات انفجاری احتمالی طراحی شود. وزارت اطلاعات اعلام کرده بخشی از سلاح‌ها و تجهیزات مورد استفاده این گروه پیش از اجرای هرگونه اقدام تروریستی کشف و ضبط شده است. در میان اسناد به‌دست‌آمده، تصاویر شناسایی از ایستگاه‌های مترو تهران و برخی اماکن عمومی وجود دارد که برای طراحی عملیات انفجاری مورد استفاده قرار می‌گرفت. وزارت اطلاعات اعلام کرده همه عناصر این شبکه تحت پیگرد قانونی قرار گرفته‌اند و جزئیات تکمیلی پس از پایان بازجویی‌ها اطلاع‌رسانی خواهد شد.

■ ضربه اطلاعات به ضدانقلاب

به موازات این اقدام اداره کل اطلاعات استان مازندران هم در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: در ادامه سلسله عملیات‌های امنیتی، سه عضو دیگر از عوامل مرتبط با کانال ضدامنیتی «شکار مزدور» در غرب استان به دست سربازان گمنام امام زمان(عج) شناسایی و دستگیر شدند. بر اساس بیانیه اداره کل اطلاعات مازندران، این کانال با انتشار اخبار کذب و محتوای تحریک‌آمیز، در تلاش برای ایجاد التهاب در افکار عمومی و سوق دادن مخاطبان به اقدامات ضدامنیتی بوده است. بر اساس اعلام این دستگاه امنیتی، سربازان گمنام امام زمان (عج) با انجام اقدامات دقیق اطلاعاتی و عملیاتی، شبکه پشتیبان و مرتبطان اصلی این جریان را شناسایی و متلاشی کرده‌اند. در این بیانیه تأکید شده است که تمامی دنبال‌کنندگان و مرتبطان این کانال شناسایی شده‌اند و توصیه شده هرچه سریع‌تر نسبت به خروج از این کانال اقدام کنند. همچنین اعلام شده افرادی که تاکنون با این مجموعه همکاری داشته‌اند، در صورت معرفی خود به دستگاه قضایی و امنیتی از رأفت اسلامی برخوردار خواهند شد. اداره کل اطلاعات مازندران همچنین اعلام کرد افرادی که از سوی این کانال مورد هتک حیثیت یا سوءاستفاده قرار گرفته‌اند، می‌توانند برای ثبت شکایت به مراجع قضایی مراجعه کنند.

پیش از این نیز رئیس کل دادگستری مازندران از بازداشت عوامل کانال تلگرامی معاند و ضد انقلاب «شکار مزدور» در شهرهای غربی استان توسط سربازان گمنام امام زمان (ع) در اداره کل اطلاعات استان خبر داد و گفت: در پی اشراف کامل اطلاعاتی و پیگیری‌های صورت گرفته و در نهایت از دسترس خارج شدن کانال تلگرامی «شکار مزدور»، دستگیری عوامل این شبکه در دستور کار دادستانی چالوس قرار گرفت.

رئیس کل دادگستری مازندران با اشاره به بازداشت و دستگیری عوامل اصلی کانال تلگرامی «شکار مزدور» با صدور دستور قضایی از سوی دادستان چالوس، تأکید کرد: این افراد با به‌کارگیری اشخاص معتمد در شهرستان‌ها و جمع‌آوری اخبار در قبال دریافت وجه، به طور مستقیم با ادمین کانال مرتبط بوده و با ارسال اخبار برای مشارالیه، ضمن تهدید مردم و مسئولان مبالغ هنگفتی را کسب کرده و سبب بی‌آبرویی شهروندان می‌شدند. پوریانی تصریح کرد: هشت عضو اصلی این کانال تلگرامی در ایران در شهرهای رامسر، تنکابن، چالوس، عباس‌آباد و نوشهر پس از ۱۰ ماه تحقیقات کامل و رصد دقیق و محرمانه اطلاعاتی از سوی دستگاه قضایی مازندران و سربازان گمنام امام زمان (ع) در اداره کل اطلاعات استان طی عملیاتی ضربتی دستگیر و پس از تشکیل پرونده واحد در دادسرای چالوس با صدور قرار مناسب به زندان معرفی شدند. رئیس کل دادگستری مازندران، مشارکت در تشکیل و اداره شبکه برای برهم زدن امنیت کشور و فعالیت تبلیغی علیه نظام را از جمله عناوین اتهامی متهمان عنوان و خاطرنشان کرد: تحقیقات کامل تا دستگیری سایر عوامل مرتبط ادامه خواهد داشت. افرادی که تاکنون با کانال مذکور همکاری داشته‌اند در صورت معرفی خود به دستگاه امنیتی، مشمول رأفت اسلامی خواهند شد. پوریانی تأکید کرد: افرادی که مورد هتک حیثیت و سوءاستفاده این کانال قرار گرفته‌اند نیز می‌توانند برای ثبت شکایت به دستگاه قضایی استان مراجعه کنند.

■ تقلا برای اثبات سرسپردگی

برخی صاحبنظران سیاسی، اتخاذ روش‌های تروریستی را ناکامی رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۲ روزه از یک سو و سرخوردگی سلطنت‌طلبان و دیگر گروه‌های تجزیه‌طلب و تروریستی از رفتار انسجام بخش ملت در این جنگ از سوی دیگر می‌دانند. از این رو، درباره دلایل گرایش پهلوی به سمت اقدامات تروریستی گفته می‌شود که ناکامی اسرائیل در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه برای راه اندازی درگیری و آشوب‌های مسلحانه، آنها را وادار ساخته تا برای رسیدن به اهداف خود، ضمن حمایت از گروه‌های تروریستی، با پرچم پهلوی مسیر اقدامات مسلحانه و آشوب را پیش بگیرند تا شرایط برای اقدام نظامی جدیدی فراهم شود. شواهد زیادی وجود دارد که پشت این برنامه‌ریزی رژیم صهیونیستی قرار دارد و رژیم همچنان که در سال‌های ۱۴۰۱ و جنگ ۱۲ روزه با حمایت از گروه‌های تروریستی دنبال ایجاد درگیری‌های مسلحانه بود، حالا با نماد سلطنت‌طلبان نیز به‌دنبال ناامن‌سازی کشور است. اگرچه در محافل خصوصی گفته می‌شود، دشمنان از عملکرد رضا پهلوی در جریان جنگ ۱۲ روزه بسیار عصبانی شده و نوعی سرخوردگی نسبت به او ایجاد شده است، اما این قبیل اقدامات ایذایی گویی، آخرین تقلاهای پهلوی و سلطنت‌طلبان برای اثبات سرسپردگی خود به امریکا و رژیم صهیونیستی است، که نتیجه آن از هم اکنون روشن است و باید منتظر باشند تا مانند دیگر گروهک‌های اپوزیسیون با پایان تاریخ انقضای خود برسند و از محاسبات اربابان خود کنار گذاشته شوند.

تحلیل

فائزه سادات یوسفی

رزمایش‌ها، اطمینان به درون و صدور اقتدار به بیرون

برگزاری رزمایش‌های متعدد از سوی قوای مسلح جمهوری اسلامی ایران بعد از جنگ ۱۲ روزه، گویای اقتدار و آمادگی در برابر هر گونه تجاوز و ماجراجویی و ترمیم و بازیابی قواست. علاوه بر آن، رزمایش‌های مشترک با کشورهای مختلفی چون روسیه، سازمان شانگهای و همچنین گروه بریکس در آینده بیانگر تثبیت و ارتقای جایگاه ایران در ضرورت مقابله با تهدیدات مشترک در نگاه کشورها است. این در حالی است که امریکا و شرکای غربی‌اش با تقویت فشارهای سیاسی و اقتصادی چون فعال‌سازی مکانیسم ماشه، تصویب قطعنامه‌های ضد ایرانی و جنگ افروزی علیه ایران، برنامه تضعیف، انزوا و مهار ایران را علنی کرده‌اند. در این وضعیت، موفقیت در این رزمایش‌ها به تنهایی نشانه‌ای از پیروزی ایران در جنگی تمام عیار با امریکا و تداوم بازدارندگی است.

از طرفی، جنگ به بازیگری ایران در میدان رویارویی با نظم غربی شتاب داده است، زیرا از دیدگاه برخی کشورهای دارای رویکرد ضد استعماری، جنگ امریکا با ایران در چهارچوب تقلای واشینگتن برای ممانعت از تغییر نظام جهانی و در وهله دوم تسهیل تجاوزات و توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی می‌گنجد. دورنمای سیاست کلان امریکا که در لحن ترامپ، عیان‌تر نمود داده می‌شود، بی‌ثباتی و جنگ افروزی در منطقه و حتی جهان است. تغییر نام وزارت دفاع به وزارت جنگ، محاصره ونزوئلا و مشوق‌های مکرر به اقدامات رژیم صهیونیستی برخلاف شعار صلح‌طلبی ترامپ، نشان از آرایش جدید جنگی امریکا دارد. این وضعیت، لزوم تعامل و همکاری‌های امنیتی کشورهای در معرض تهدیدات مستقیم و غیر مستقیم را تقویت کرده است. این فضا، هم اهمیت و نقش ایران را به عنوان کشور معارض با سیاست سلطه امریکا برجسته کرده و هم فرصت مناسبی را در اختیار ایران برای جایابی در نظم جدید به وجود آورده است.

برگزاری رزمایش‌های مشترک با سازمان هایی که رویکرد ضد غربی آن، همواره موجب نگرانی و واکنش‌های تند کاخ سفیدبوده، نشان‌دهنده بهره‌برداری هوشمندانه جمهوری اسلامی ایران از شکاف‌های فزاینده در نظم جهانی و تلاش برای بازیگری فعال در جبهه نظامی-سیاسی مستقل در برابر هژمونی امریکاست.

در این میان برگزاری رزمایش سهند ۲۰۲۵ با موضع مقابله با تروریسم و رزمایش دریایی سپاه در آب‌های استراتژیک خلیج فارس، نشان می‌دهد که ایران نه تنها توانمندی رزمی خود را به‌روز و هماهنگ کرده، بلکه در حال ساختن یک بلوک امنیتی است که در صورت رخداد تهدید، قادر باشد هزینه ماجراجویی یا جنگ علیه ایران را برای غرب افزایش دهد. این رزمایش‌ها پیام خود را به امریکا و رژیم صهیونیستی محدود نکرده و به طور مستقیم به گروه‌های تروریستی تجزیه‌طلب که از سوی برخی دولت‌های منطقه ارتزاق می‌کنند و برخی متحدان منطقه‌ای آنها که به بستری برای فعالیت‌های ضد ایرانی رژیم صهیونیستی مبدل شده «هشدار جمعی» می‌دهد.

همچنین این رزمایش‌ها از نظر داخلی به مردم اطمینان می‌دهد که قوای دفاعی کشور آماده‌ترین حالت ممکن را برای دفاع از تمامیت ارضی و منافع ملی را حفظ کرده‌اند و در هماهنگی با دیگر قوای دیگر بازدارندگی خود را افزایش می‌دهد. از این‌رو، نتایج این رزمایش با اثر مثبت در دیدگاه جامعه و افزایش اعتماد به حاکمیت، منجر به وحدت و انسجام ملی بیشتر خواهد شد. در این میان، رونمایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از تسلیحات پیشرفته جدید، ادعاهای مقامات امریکایی و صهیونیستی را در مورد تضعیف و ضربه به توان رزمی باطل می‌کند.

رونمایی از سامانه پیشرفته پدافند هوایی «نواب»، بهره‌گیری از پهپادهای کوچک انتحاری، سامانه‌های پیشرفته نظارتی و پدافندی نشان داد که ایران در حوزه فناوری‌های پیشرفته نظامی در حال ارائه و آزمایش بخشی از دستاوردهای خود است. همچنین، سپاه از موشک نسل جدید با هدف زنی فوق‌العاده که برد آن از خلیج فارس هم فراتر می‌رود و پس از شلیک کاملاً فرمان‌پذیر بوده و صددرصد بومی است، رونمایی کرد. با توجه به حضور امریکا در آب‌های منطقه و توطئه‌های بالقوه توسط سایر بازیگران فرامنطقه‌ای، رزمایش سپاه با ارسال پیامی بازدارندگی و مقتدرانه به آنها هشدار می‌دهد. موقعیت ژئوپلیتیکی خاص خلیج فارس و عبور بیش از ۴۰ درصد نفت خام دنیا(بدون احتساب مواد نفتی دیگر صادراتی) از تنگه هرمز نشان می‌دهد که ایران نقش کانونی خود را در عرصه تأمین امنیت صادرات نفت جهان ایفا می‌کند. این موقعیت ژئوپلیتیکی منحصربه‌فرد، ایران را به یک بازیگر غیرقابل چشم‌پوشی در بازار جهانی انرژی تبدیل کرده است. همین موقعیت ژئوپلیتیکی، ایران را به یکی از معدود کشورهایی در جهان تبدیل کرده که می‌تواند بدون نیاز به درگیری از تنگه هرمز به‌عنوان یک ابزار بازدارنده و اهرم مقابله‌به‌مثلِ مؤثر علیه اقدامات ضدایرانی امریکا و متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای‌اش استفاده کند. همان‌طور که نشریه امریکایی نیوزویک نوشت: « «رزمایش دریایی سپاه و هشدار صریح به کشتی‌های جنگی امریکایی نشان می‌دهد ایران آماده دفاع از آب‌های خود و اعمال کنترل بر کریدورهای دریایی استراتژیک است. خلیج فارس و تنگه هرمز شریان حیاتی برای حدود یک‌پنجم از عرضه نفت جهان است. بنابراین هرگونه تشدید تنش می‌تواند بازارهای انرژی را مختل کند و بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی را در سراسر اروپا، آسیا و فراتر از آن افزایش دهد».

یادداشت

دانشگاه، رسانه، مسجد سه‌گانه شکست‌ناپذیر در جنگ روایت‌ها

سیدعبدالله متولیان

کارشناس سیاسی

هفتاد و یک سال پیش، ۱۶ آذر، سه دانشجو روی سنگفرش دانشگاه تهران در خون غلتیدند تا به نیکسون بگویند: «از این خاک بیرون برو».

امروز، در همان دانشگاه، پهپادهای پیشرفته را برای رزمایش‌های دفاعی طراحی می‌کنند، و در شبکه‌های اجتماعی روایت مقاومت را پخش می‌کنند. ۱۶ آذر امروز فراتر از یادمان تاریخی، یک قرارگاه عملیاتی سه‌گانه است که نامش «دانشگاه-رسانه-مسجد» است و خروجی‌اش، مطالبه بیرون راندن نظام سلطه از کل منطقه شده است. اگر در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ سه دانشجو با خون خود به امریکا گفتند: «از دانشگاه ما بیرون برو». اینک در ۱۶ آذر ۱۴۰۴ میلیون‌ها دانشجو با «علم، رسانه و مسجد» به امریکا می‌گویند: «از کل منطقه بیرون برو».

شانزدهم آذر به استراتژی زنده و پویای انقلاب تبدیل شده، خون سه دانشجوی شهید سال ۱۳۳۲، سه ستون هویتی را بنا کرد که امروز ایران را در برابر طوفان‌های سهمگین جهانی ایستاده نگه داشته است: «دانشگاه پیشرو»، «مسجد پایدار» و «رسانه هوشمند». این سه‌گانه، وقتی هم‌آوا شوند، حتی امپراتوری رسانه‌ای جهانی را هم به عقب‌نشینی وادار می‌کنند. ۱-دانشگاه انقلابی امروز، دانشگاهی نیست که صرفاً اعتراض کند، دانشگاهی است که «مسئله تولید» می‌کند. در شرایطی که رسانه‌های معاند با بمباران خبری می‌کوشند اولویت‌های کاذب برای ملت ایران بسازند، دانشگاه‌های کشور با تحقیقات میدانی، آمارهای دقیق و تحلیل‌های علمی، مسائل واقعی را به میدان می‌آورند.

وقتی بحران اقتصادی فشار می‌آورد، دانشگاه‌ها به جای تکرار کلیات، با تشکیل کارگروه‌های فوری، داده‌های تورم، رکود و معیشت را رصد می‌کنند و راه‌حل‌های عملیاتی ارائه می‌دهند. استادان برجسته اقتصاد و جامعه‌شناسی پا به میدان می‌گذارند و دانشجویان نخبه پروژه‌های تحقیقاتی خود را بر محور «حل مسئله ملی» متمرکز می‌کنند. بدین‌سان دانشگاه از برج عاج نظریه‌پردازی پایین می‌آید و به قلب تپنده جامعه بدل می‌شود. همان نقشی که دانشگاه تهران در ۱۶ آذر ۳۲ ایفا کرد، امروز در مقیاسی گسترده‌تر تکرار می‌شود. ۲-مسجد نیز در این معادله نه فقط جای نماز بلکه «شبکه زنده همبستگی اجتماعی» است. وقتی پژوهش دانشگاهی به زبان ساده توسط رسانه منتشر می‌شود، مسجد آن را به «برنامه عمل محلی» تبدیل می‌کند.

مسجد در این زمینه دو کارکرد کلیدی دارد:

-تزریق معنویت: به مطالبات اجتماعی عمق اخلاقی و دینی می‌بخشد و مانع از تقلیل آنها به خواسته‌های مادی صرف می‌شود.

-شبکه‌سازی عملیاتی: هیئت‌های مذهبی، پایگاه‌های جوانان و گروه‌های جهادی ظرفیت بی‌نظیری برای اجرای طرح‌های مردمی دارند.

۳-رسانه انقلابی نیز در این پیوند مقدس، تعریف سنتی خود را از دست داده است. رسانه برنده کسی نیست که تنها «روایت اول» را مخابره کند، بلکه رسانه‌ای است که علاوه بر سرعت، «درست‌ترین» و «اثربخش‌ترین» روایت را خلق کند. چنین رسانه‌ای:

-با راستی‌آزمایی در اقیانوس اخبار جعلی، قطب‌نمای افکار عمومی می‌شود.

-با تبدیل پیچیدگی به سادگی، یافته‌های دانشگاهی را به خوراک ذهنی قابل هضم برای مردم بدل می‌کند.

-با طراحی کمپین و پرونده‌های ویژه، اولویت ملی می‌سازد و گفتمان را هدایت می‌کند.

۴-شانزده آذر ۱۳۳۲ سه شهید داد تا بگوید: «نفوذ استعمار را به دانشگاه راه ندهید.» امروز، میلیون‌ها دانشجو، روحانی و روزنامه‌نگار در یک هماهنگی تاریخی پیام بزرگ‌تری می‌دهند: «ما با دانشگاه‌مان فناوری می‌سازیم، با مسجدمان همبستگی می‌آفرینیم و با رسانه‌مان روایت می‌کنیم. این سه، دژ مستحکم ایران است.»

دشمن در گذشته می‌ترسید که دانشجو در خیابان شعار می‌داد، امروز بیشتر می‌ترسد که: دانشجو در آزمایشگاه فناوری انقلابی تولید کند، مسجد این فناوری را به ارزش اجتماعی بدل سازد و رسانه آن را به گفتمان جهانی تبدیل نماید و جهان را به ایستادگی و مقاومت در برابر نظام سلطه فرا بخواند. این تکامل مبارزه است، این معنای واقعی سه‌گانه شکست‌ناپذیر است.

۵-شانزدهم آذر به ما یادآوری می‌کند که استقلال و عزت ملی تنها با شعار حفظ نمی‌شود. با سازمان‌دهی هوشمندانه سه ستون هویتی است که پایدار می‌ماند. دانشگاه عقلانیت و مسئله می‌سازد، رسانه روایت و اعتماد می‌آفریند و مسجد همبستگی و معنا تزریق می‌کند. این سه‌گانه، افکار عمومی را از انفعال به کنشگری، از پراکندگی به تمرکز و از واکنش به راهبرد ارتقا می‌دهد.

در جهانی که جنگ روایت‌ها سرنوشت ملت‌ها را تعیین می‌کند، ایران با سه‌گانه دانشگاه-رسانه-مسجد نه‌تنها مقاومت کرده، بلکه توانسته روایت خود را به گفتمان جهانی بدل کند. این همان پیامی است که خون سه شهید ۱۶ آذر در تاریخ نوشت و امروز در قامت یک ملت ایستاده، ادامه می‌یابد.

گزیده خبر

رئیس مرکز مطالعات راهبردی ارتش:

دست ما برای مقابله با هر تهدیدی پر است

رئیس مرکز مطالعات راهبردی ارتش با اشاره به آمادگی نیروهای مسلح برای مقابله با تهدیدات، گفت: دست ما برای مقابله با هر تهدیدی پر است و هر دشمنی را از تجاوز به حریم کشور پشیمان خواهیم کرد.

امیر احمدرضا پوردستان در گفت‌وگویی با اشاره به نقش محوری و بی‌بدیل رهبر معظم انقلاب اسلامی در تغییر محاسبات دشمن در پی عملیات وعده صادق ۳، افزود: در واقع، آنچه توان بازیابی و آمادگی برای واکنش را در نیروهای مسلح زنده کرد، حضور بموقع و هدایت میدانی فرمانده معظم کل قوا (مدظله العالی) در فراخوان همه ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها برای پاسخ به تهاجم بود.

وی سپس به غافلگیری راهبردی دشمن بر اثر اجرای عملیات «وعده صادق ۳» اشاره و عنوان کرد: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مرتباً تهدیدات را رصد کرده و برای مقابله با آنها ظرفیت‌های دفاعی و تهاجمی لازم را در خود ایجاد می‌کردند. یکی از مؤلفه‌های این آمادگی، انجام بازی‌های جنگ هم در سطح عملیاتی و هم در سطح راهبردی بود. بازی جنگ یعنی ایجاد شرایطی مشابه صحنه جنگ و تهاجم دشمن در عرصه‌های متفاوت در زمین هوا، دریا و سایبر و سپس انجام اقدامات مقابله‌ای برای دفع و از بین بردن آن تهدید.

امیر پوردستان افزود: در بازی جنگ، در حوزه موشکی و پهپادی، پس از تهاجم فرضی دشمن، عملیات وعده صادق ۳ طراحی و بارها در اتاق بازی جنگ و میدان رزمایش تمرین شده بود؛ لکن حجم تهاجم اولیه دشمن صهیونیستی که با پشتیبانی ناتو صورت پذیرفت و ایجاد شرایط جدید، سبب شد که عملیات وعده صادق ۳ علی‌رغم همه آمادگی‌ها جهت پاسخ به دشمن، با تأخیری چندساعته اجرا شود. امیر پوردستان یادآور شد: اجرای دقیق و گسترده عملیات وعده صادق ۳ که برگرفته از دکترین غافلگیری راهبردی طراحی شده بود، چنان ضربه مؤثر و خردکننده‌ای را به رژیم صهیونیستی وارد و آن‌چنان شوک و بهتی بر او تحمیل کرد که بعید به نظر می‌رسد، مجدداً خیال مقابله و درگیرشدن با نیروهای مسلح ما را داشته باشد. رئیس مرکز مطالعات راهبردی ارتش تأکید کرد: به‌عنوان سربازی کوچک از مجموعه عظیم نیروهای مسلح به ملت سربلند ایران اسلامی اطمینان می‌دهم که با وجود همه تحریم‌ها، دست فرزندان سربازشان برای مقابله با هر تهدیدی پر است و هر دشمنی را از تجاوز به حریم کشور پشیمان خواهیم کرد.